

كودكان نقاش

هنرمندان و هنرشناسان امروز، بخصوص در ممالک لائین، تمایل شدیدی نسبت به هنر ابتدائی وساده ابراز میدارند، همانطور که در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم اغلب نقاشان، مجسمه‌سازان و معماران سعی میکردند از «فرم» های هنر یونان قدیم استفاده کنند؛ هنرمندان امروزی نیز کوشش مینمایند از نقاشیهای دیوارنگارهای انسان اولیه و مجسمه‌های بسیار ابتدائی اوستفاده نمایند و چه بسا اتفاق میافتد که يك اثر هنری امروز صراحت باینکه اثر انسان اولیه قابل مقایسه میباشد. اگر بخواهیم تصور نمائیم که هنرمند امروزی برای بوجود آوردن هنر خود از هنر انسان اولیه الهام نگرفته باشد باز این امر خود وجود هنر واحدی را بنا نشان میدهد. هنر واحدی که در نرانی پاره سنگ ماقبل تاریخ، مینیاتور ایرانی، نقاشی دوره نئولیت ایټالیا، باسکه؟ ژاپنی و با نقاشی كودكان بطور مشترك چشم میخورد.

این تمایل بسوی هنر دست نخورده و آلوده نشده در اغلب کشورهای جلوفاتده مردم را متوجه نقاشی كودكان نموده و همین توجه موجب گردیده است که امروز در بیشتر كودكستانها سعی مینمایند روش نقاشی را تغییر دهند و كودكان را بیشتر با اختیار خودشان بگذارند یا برای نقاشی آنها موضوعاتی انتخاب نمایند که موجب بکار افتادن تجربه هنری كودكان گردد. مثلاً چون هنوز كودك با زندگی غازی برخوردی نکرده ساخته فکر او بصورت هنر ابتدائی وساده درمیآید که از نظر مطالعاتيك اثر و شناختن روحیه اینکه موجود آن بوده است بسیار جالب میباشد. فراموش نکنیم که از کشورهای است که در سالهای اخیراً کاملاً متوجه این موضوع تربیتی بوده است. در این کشور چندین نمایشگاه معروف وجود دارد که کلیه نمایشهای خود را اختصاص به نقاشی كودكان داده است. این نمایشگاهها تمام وسائل کار را بطور مجانی در اختیار كودكان میگذازند و پس از آنکه چند صد نقاشی بوجود آمد همیشه از هنرشناسان همان نمایشگاه برای رسیدگی باین آثار تشکیل میگردد و آثاری را که از نظر هنری ارزش بیشتری داشته باشد انتخاب و نمایش میگذازد. با این ترتیب پس از مدتی در بین كودكان نوابغی بوجود میآید ولی با کمال تأسف اغلب اوقات این نوابغ پس از برخورد با محیط مصنوعی که کم هنر خود را از دست میدهند و در حقیقت

با بالا رفتن سن کودکان هنری که ارزشش تنها روی سادگی و ابتدائی بودن آن و اولین نمایش هنری انسان است بتدریج ضعیف میشود.

در میان این «کودکان برهنه» عدد بسیار معدودی هستند که همواره نقاشی میمانند. برای ما آثار کلیه کودکان جالب است. این کودکان حداکثر تا ۷ تا ۸ سالگی نقاشیهای بزرگی هستند ولی بتدریج هنر خود را از دست میدهند. تا این سن است که محیط نمیتواند روی کودکان اثری داشته باشد و بهمین دلیل هنر کودکان تا این سن بهمان صورت ابتدائی و دست نخورده میماند و همین امر بجا اجازه میدهد که این هنرها با هنر انسان ماقبل تاریخ یا هنر استادانی که امروز مقدار زیادی از آنودا خود را صرف بازگشت به هنر اولیه میکنند مقایسه نماییم.

کودکان نقاشی اغلب شیفته رنگ هستند و آثارشان همواره پر از رنگهای بسیار زنده و خالص میباشد و درین حال اغلب بین این رنگها هم آهنگی جالب وجود دارد. فرمها همواره بسیار ساده و درین حال مشخص میباشد مثلاً وقتی که میشود بیکر انسان را با پنج خط و یک دایره نشان داد کودک نقاش دیگر در سدد مشکل نمودن کار بر نمیآید و وقتی بر آمد هنر ساده خود را از دست میدهد.

گاهی از اوقات هم نقاشی کودکان صورت انتزاعی بخود میگیرد. این حالت در هنگامی است که کودک بخواهد بدنیال موضوعی برود که هرگز آرا ندیده و حس نکرده است. در یک کود کستان در والورس از شهرهای فرانسه معلم نقاشی «چشم انداز از پنجره هواپیما» را موضوع نقاشی کودکان قرار داد. نقاشها اغلب بسیار انتزاعی از کار در آمدند یعنی چون کودکان هرگز در هواپیما پرواز نکرده بودند برای خود منظره های هوایی از مزارع و رودخانه ها و دریا و غیره تصور نموده و همان صور را که عبارت میشد از لکه های از رنگ های مختلف بروی کاغذ آوردند.

در صورتیکه انسان یا موضوع اینگونه نقاشی ها آشنائی داشته باشد با وجود انتزاعی بودن سرف آنها کم میتواند بمتکون نقاشی برسد. در نقاشی «چشم انداز از پنجره هواپیما»

1 - Etude 2 - Abstrait 3 - Valauris

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
نقاشی کودک ۸ ساله : «چشم انداز از پنجره هواپیما»

پرتال جامع علوم انسانی



منظره مزارع* با رنگهای سبز و روشن و رودخانه‌ای که بدریا میریزد از درجه چشم کودک نقاشی که در عالم خیال از پنجره هواپیما نگاه میکند دیده میشود.

در نقاشی «عشم» نیز یکی از عالیترین آثار هنری کودکان دیده میشود. موضوع این نقاشی همانطور که از عنوان آن معلوم است «عشم» میباشد. کودک نقاش برنگ بسیار زنده قرمز صوری، به کفجور لب آن، به بخاری که از سر برمیخیزد و به دندانهای نیز و چشمهای از حدقه درآمده اکتفا نکرده روی گونه‌های تصویر هم بامداد قهوه‌ای تعدادی خطوط متقاطع (X) گذاشته است. این خطوط متقاطع برای کودک نقاش و حتی برای ما میتواند کاملاً مطلبی «عشم» باشد. کودک نقاش با قدرت قابل توجهی این نقاشی را بوجود آورده است و به عالیترین و ساده‌ترین وضعی تصور خود را بمانشان میدهد.



نقاشی «عشم» کار کودک ۱۰ ساله

نقاشی کودکان از نظر مطالعه در روحیه آنها نیز میتواند مورد استفاده زیاد قرار گیرد. از روی یک نقاشی میتوان با سالی کودک خمکین و فکور را از کودک شاد و زنده تشخیص داد، حتی میشود بین آنها کودک حساسی و زود رنج با کودک خیال پرور را باز شناخت و این امر، یعنی شناخت چگونگی وضع روحی کودکان، جهت راهنمایی مریبان آنها در راه تعلیم و تربیت میتواند دارای اهمیت زیادی باشد و امروز یکی از عوامل بزرگ روانشناسی کودک نقاشی او بشمار میآید.

جای بسیار خوشوقتی خواهد بود اگر ما نیز بتوانیم در این راه قدمهایی برداریم و بزرگان ما هم کمی بیشتر به کودکان در همه چیزها نظر و در کلاسهای نقاشی به کودکان موضوعهایی که به چوچوچه جوایی به خواسته‌های آنان نمیدهد ندهند و آنها را کمی در کار خودشان آزاد بگذارند تا بیشتر و بیشتر به بیان عقاید و عقول خود بپردازند.

محمدرضا مقتدر